

ما از عدالت سهمی داریم سازمان حقوق بشر ایران

سال ششم شماره ۱۳۰

۹ شهریور ۱۳۹۹ / ۳۰ اوت ۲۰۲۰



ویروس کرونا،
محدودیت‌های اجتماعی و حقوق بشر

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران/ محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: نیره انصاری (حقوق دان)، علی اصغر فریدی (مصاحبه ها)

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

آموزش آنلاین، آسیب پذیری کودک و خانواده

کرونا و حق کودکان برای برخورداری از آموزش

محدودیت ها و حقوق اساسی در زمان کرونا

کووید-۱۹ و نظام بین الملل

آموزش کودکان و وظایف دولت در زمان همه گیری ویروس کرونا

اخیر برای کل دنیا یک اتفاق بسیار نادر بود، با این حال ما شرایط به وجود آمده کاملاً ناشناخته نبود و ما پیش‌تر تجربه همه‌گیری ایبولا را در شمال آفریقا تجربه کرده بودیم. یونسکو و سازمان‌های بین‌المللی تجربه این شرایط را داشتند و به تأثیرات آموزش‌ندیدن و دور ماندن کودکان از محیط آموزشی از جمله کار کودک و به ویژه ازدواج کودکی، واقف بودند. به همین دلیل همان زمان توصیه‌هایی داشتند و پس از همه‌گیری کرونا هم گزارش‌های مختصری ارائه کردند. یکی از راهکارهایی که ارائه کردند، استفاده از رسانه‌های جمعی از جمله رادیو و تلویزیون، برای آموزش کودکان بود و از کشورهای مختلف خواستند که از این روش استفاده کنند. این راهکار اگرچه محدودیت‌های خودش را دارد اما در اغلب خانواده‌ها با هر سطحی از لحاظ مالی، این ابزار را در دسترس دارند. ما هم در بخشی از زمان جنگ هشت ساله این تجربه را داشتیم.

روش دیگری که مطرح شد، استفاده از بسته‌های آموزشی پستی بود که به نوعی با یک سری ابزارهای کلاسیک و مرسوم همانند تلفن و غیره توسط مربی و معلم‌ها پیگیری بشود. من خودم به شخصه این تجربه را داشته‌ام و در زمان جنگ هشت ساله هم شبیه آن را تجربه کرده بودیم. انجام چنین کاری البته مستلزم داشتن یک برنامه دقیق است و در این شرایط تبعیض‌آمیز که بخشی از جامعه و به ویژه آموزش کودکان را تحت تأثیر قرار داده، می‌توان با استفاده از نهادهای محلی و نیروهای داوطلب مردمی حداقل تا اندازه‌ای جای خالی ابزارهای مدرنی که بخشی از کودکان برای آموزش آنلاین از آن بی‌بهره هستند را پر کند.

در برخی از ویدیوهای که در شبکه‌های اجتماعی بارگذاری شده، برخی از والدین در حین ضبط ویدیو از فرزند یا فرزندانشان، به دلیل جواب غلط به سوالات درسی، آنها را دست می‌اندازند و همان فیلم را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند. این کار چه عواقبی برای کودک دارد و چگونه می‌توان مانع از انجام این اعمال از سوی والدین شد؟

شرایط کرونا و قرنطینه به دلایل مختلفی، از جمله خانه‌نشینی اجباری برخی از افراد خانواده و کودکان، مراقبت طولانی از کودکان در خانه، افزایش اصطکاک به دلیل کنار هم بودن طولانی در طول روز، قابلیت تنش در خانواده را افزایش داده و زمینه آسیب‌پذیری روانی خانواده‌ها را بالاتر برده است. تازه

در کلاس‌های آنلاین هستند و از طرفی هم برخی از مناطق در ایران، شبکه اینترنت مناسبی ندارند. به نظر شما چه راهی برای آموزش این دانش‌آموزان وجود دارد؟

آموزش به یک‌سری امکانات و ملزومات نیاز دارد که برخی از کودکان، به دلیل شرایط اقتصادی خانواده یا شرایط توسعه‌نیافتگی منطقه‌ی سکونت خود، از آن محرومند. هرچند شاید تکراری باشد، اما قبل از هر چیزی می‌خواهم یادآوری کنم، برخلاف آنچه که بعضی‌ها فکر می‌کردند یا در ابتدای امر از سوی برخی از رسانه‌ها زیاد شنیده می‌شد که کرونا یک ویروس دمکرات است و فقیر و غنی نمی‌شناسد، ولی خیلی زود نادرستی این فرض مشخص شد.

بر مساله ویروس کرونا مثل بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و بیماری‌ها و سایر موضوعاتی که در سطح جامعه چالش‌برانگیز می‌شود، تبعیض حاکم است. به این معنا که شرایط برای کسانی که از امکانات کمتری برخوردار هستند، نسبت به کسانی که به منابع و امکانات بیشتری دسترسی داشتند، دشوارتر است.

منابع و امکاناتی که برخی از افراد جامعه از آن برخوردار نبوده یا کمتر برخوردار هستند، می‌تواند مشکل در تأمین امکانات بهداشتی و نداشتن دسترسی سریع‌تر و آسان‌تر به مراکز درمانی را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، کسانی که قدرت مالی بالاتری داشته و دارند، از سلامتی نسبی بالاتری برخوردارند و همچنین به دلیل تغذیه مناسب و سایر عواملی که بر سلامت انسان تأثیر می‌گذارد، احتمال بیماری، یا ریسک و خطر بیمار شدنشان کمتر بوده است.

در رابطه با بحث آموزش هم همین مثال و مقایسه بالا می‌تواند صحت داشته باشد. همین الان هم در برخی از مناطق، قبل از کرونا مدارس آنجا به امکانات آموزش آنلاین دسترسی داشتند و مدارس‌شان آماده‌تر بود برای تأمین چنین امکاناتی؛ و حتی از نرم‌افزارها و ابزارهای غیردولتی استفاده می‌کردند و الان هم دارند استفاده می‌کنند. اما از سوی دیگر، ما مناطقی را در ایران داریم که نه تنها به چنین امکاناتی دسترسی نداشته و ندارند بلکه دسترسی ساکنان این مناطق به اینترنت و سایر تکنولوژی‌ها بسیار محدود است. در این مناطق به دلیل عدم توان مالی، خانواده‌ها از تأمین امکانات مورد نیاز فرزندانشان ناتوان و کودکانشان از تکنولوژی مورد نیاز برای آموزش آنلاین محروم هستند.

با اینکه موضوع کرونا و همه‌گیری آن، در سال‌های

حامد فرمند:

آموزش آنلاین، آسیب‌پذیری کودک و خانواده



علی‌اصغر فریدی

جایگزین آموزش حضوری کنند.

اما آموزش آنلاین به دلیل نوپا بودن، مشکلات خاص خود را دارد. مجله حقوق ما در این زمینه با حامد فرمند، کنشگر و مدافع حقوق کودک، گفت‌وگو کرده است. مشروح این گفت‌وگو در زیر آمده است.

در ایران، برخی از دانش‌آموزان فاقد وسایل لازم از جمله گوشی هوشمند، لپ‌تاب و یا تبلت، برای شرکت

پس از عالم‌گیر شدن شیوع ویروس کرونا، علاوه بر این‌که نگرانی‌ها از وضعیت سلامت مردم، باعث نگرانی جامعه جهانی شد و اقتصاد بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار داد، روابط اجتماعی و ارتباطات انسانی را هم دستخوش تغییر کرد. این موضوع همچنین مسئله آموزش در دنیا را تحت تأثیر خود قرار داد، بسیاری از مدارس و مراکز آموزشی را به تعطیلی کشاند و بسیاری از کشورها را ناچار کرد تا آموزش آنلاین را



این در حالی است که اگر خانواده از قبل تنشی نداشته و خشونت خانگی بر فضای آن حاکم نبوده باشد.

تا پیش از همه‌گیری کرونا، حضور کودکان در کلاس درس برای ساعاتی طولانی، باعث شده بود که خانواده‌ها به نسبت درگیر بودن به کارهای روزمره و مشغله‌هایی که داشتند، هرچند روز یک‌بار و بعضی‌ها هفته‌ای و گاه ماهی یک بار در انتهای هر ترم از وضعیت تحصیلی فرزندانشان مطلع می‌شدند. اما شرایط به وجود آمده پس از کرونا، وضعیت را کاملا متفاوت کرد و کودک تحت نظارت ناخواسته خانواده قرار گرفت. این وضعیت جدید برنامه‌ریزی شده از سوی نظام مدرسه نبوده بلکه بخش عمده آن به دلیل حضور مدام والد و کودک در کنار هم و در فضایی است که قبلا آن را تجربه نکرده‌اند و قرار هم نبود اتفاق بیفتد.

حالا در این شرایط به وجود آمده، اگر شیوه والدگری برخی در تربیت کودک بر اساس امر و نهی و به اصطلاح عامیانه بکن، نکن، و دستوری باشد و به آن شیوه بیشتر عادت کرده و آن روش را پیاده کرده باشند، قابلیت ایجاد تنش و رفتارهای پرخاشگرانه بالاتر می‌رود.

در همین رابطه بنا به تجربیات و مشاهدات شخصی خودم می‌توانم بگویم، خانواده‌های کمتری در ایران با انواع مختلف والدگری آشنایی دارند و بیشتر میان دو طیف والدگری کنترل‌گر یا استبدادی و والدگری رهاکردن کودک در نوسان هست، که هر دوی این روش‌های والدگری آسیب‌زا است. برای حل این مسئله و کاهش آزار کودکان، آسیب‌هایی که رفتار و برخورد ما می‌تواند به کودکان وارد کند باید شناسایی شوند تا با شناختن آن‌ها به سمت تغییر آن رفتارها حرکت کنیم، والدین باید یاد بگیرند که کدام کار و رفتار آنها کودک‌آزاری محسوب می‌شود و چه شکلی از تحقیر و آسیب را برای کودک به همراه دارد.

قطعا خانواده‌ها قصد آزار کودکانشان را ندارند، قصد آنها حمایت از آنها است و کاری هم اگر می‌کنند، با این نیت انجام می‌دهند که این به نفع کودکانشان است. اما اگر بدانند که این کارهایی که آنها انجام می‌دهند و فشاری که به کودک وارد می‌کنند، نه تنها به نفع او نیست بلکه ضررهای جدی را در بلند مدت متوجه کودک می‌کند، حتما روش و شیوه برخورد را تغییر خواهند داد.

با آگاه شدن والدین از برخوردهای آسیب‌زا به کودکانشان، می‌توانیم این انتظار را از آنها داشته باشیم که بتوانند فشارهای روحی خودشان را جای دیگری تخلیه و بر کودک

فشار نیاورند. آنها باید فرض کنند همان‌گونه که کودک در مدرسه تحصیل می‌کرد و آنها کنترلی بر او نداشتند، الان هم لزومی ندارد که بخواهند کنترل خود را بر وی اعمال بکنند. در مورد بخش دیگر سوال شما باید بگویم، انتشار تصاویر کودکان شکل دیگری از آزارگری است. ما چه در حالتی که کودکان را با شرایط به ظاهر خنده‌دار به تصویر می‌کشیم و چه در شرایطی که لبخندش را بازنشر می‌کنیم، در واقع یک آزار را اعمال می‌کنیم. در هر حالتی این‌ها مصادیق کودک‌آزاری و تجاوز به حریم خصوصی کودک و نقض کرامت انسانی او است و باید به صورت جدی از این کار پرهیز شود. من امیدوارم با بالا رفتن آگاهی جامعه نسبت به این مسائل و درک این موضوع که این اعمال مصادیق کودک‌آزاری است، کمتر شاهد انتشار اینگونه تصاویر در فضای مجازی باشیم. از طرفی دیگر نهادها و سازمان‌های حامی کودکان باید تلاش کنند که علاوه بر آموزش خانواده‌ها، کودکان را هم نسبت به حق و حقوق خود آگاه کنند و به آنها بیاموزند که چه چیزهایی آزارگری است و اگر با آزار مواجه شدند چکار می‌توانند بکنند. هم اینکه باید تلاش کرد تا قوانین در راستای حمایت از حقوق کودک تغییر و اصلاح شوند.



در این زمان که همه‌گیری ویروس کرونا باعث شده که آموزش به صورت آنلاین انجام شود و کودکان زمان طولانی را در خانه هستند، چگونه باید باید هم مراقب باشیم روحیه کودکان آسیب نبیند و هم اینکه چه کارهایی را باید انجام دهیم که آنها به بهانه درس، بیش از اندازه در فضای مجازی به گشت و گذار نپردازند؟

بسیار سخت است که بتوان برای این موضوع یک نسخه کلی بی‌پیچیم. چون کسانی که در نقاط مختلف ایران زندگی می‌کنند از ابزارها و امکانات متفاوتی برخوردار هستند و برخی نیز از بسیاری از امکانات محروم هستند و همین موضوع پاسخگویی را کمی مشکل می‌کند. اما معمولا نهادها، گروه‌ها و کارشناسان اجتماعی که بر روی موضوعات عمومی کار می‌کنند، می‌گویند اگر روحیه کودک دچار آسیب بشود، بخشی از این آسیب‌ها به صورت مشکل‌های روانی، اختلال در خواب، اختلال در خوراک و اختلال در رفتار خودش را نشان می‌دهد. شرایط قرنطینه هم این وضعیت را تشدید می‌کند، چون در وضعیت قرنطینه، کودک ارتباطش با دوستانش را از دست می‌دهد و روابط اجتماعی را که پیش از این داشته، از

دست می‌دهد.

بنابراین لازم است خلاقیت به خرج بدهیم و راه‌هایی را پیدا کنیم که تا در زمان همه‌گیری کرونا بتوانیم سلامت روان خود و فرزندانمان را حفظ کنیم. یکی از این راه‌ها طبیعت‌گردی است؛ در هر حد و اندازه‌ای که مقدور باشد. از پارک اطراف تا کوه و سایر نقاطی که بتواند در دسترس خانواده باشد. اگرچه می‌دانیم همه خانواده‌ها دسترسی به این امکانات را ندارند و متأسفانه این امکانات هم به صورت تبعیض‌آمیزی توزیع شده‌اند. بعضا ممکن است نیازمند استفاده از وسیله نقلیه خصوصی باشد که این هم برای همه خانواده‌ها امکان‌پذیر نیست و استفاده از وسایل نقلیه عمومی هم نگرانی ابتلا به کرونا را به دنبال دارد. به هر حال با در نظر گرفتن این مجموعه از شرایط تاکیدم بر روی بخش خلاقانه‌ای است، که افراد بتوانند برای خود و خانواده این این شرایط را فراهم کنند.

بحث دیگری که مطرح و توصیه شده است، نگهداری از حیوانات خانگی است، به ویژه برای کودکان و حتی بزرگسالانی که تنها زندگی می‌کنند. هرچند در سال‌های اخیر در ایران تلاش زیادی برای آشتی دادن افراد با حیوانات صورت گرفته، اما متأسفانه هنوز گهگاهی خبرهایی از آزارگری سگ‌ها و گربه‌ها در ایران شنیده می‌شود و از طرفی هم محدودیت‌های اعتقادی و فرهنگی برای برخی از خانواده‌های ایرانی در رابطه با نگهداری حیوانات خانگی وجود دارد. اما این تجربه نگهداری از حیوانات خانگی به ویژه در شرایط قرنطیه می‌تواند کمک کننده باشد برای روحیه کودکان و حتی افراد بزرگسال.

ورزش در خانه در شرایط قرنطیه یکی دیگر از راه‌هایی است که به سلامت روحی و روانی کودک و بزرگسال کمک می‌کند و علاوه بر سلامت روانی، بخشی از انرژی کودکان را تخلیه و نیازهای تحرکی آنان را قبلا در محیط بیرون و مدرسه برآورده می‌شد، برآورده می‌کند.

علاوه بر آسیب‌های روانی شبکه‌ها اجتماعی و دنیای مجازی، بخش دیگری از این آسیب‌ها، تاثیرات و آسیب‌هایی است که بر چشم و مغز کودک وارد می‌شود. به ویژه در سنین دبستان که نگاه کردن به صفحه نمایشگر این تاثیر بسیار بیشتر است. برای دور کردن کودک از نمایشگر و فضای مجازی، خانواده‌ها می‌توانند کودک را تشویق به کتابخوانی کنند و یا اینکه بازی‌هایی فکری یا جسمی را در خانه ترتیب بدهند و کودک را از فضای مجازی دور نگه دارند. شرکت دادن کودکان در امور خانه نیز راهکار دیگری است که هم به بالا بردن توانمندی خانواده و هم توانمندی کودک کمک می‌کند.

کرونا و حق کودکان برای برخورداری از آموزش

پس از بحرانی شدن وضعیت کرونا در ایران و تعطیلی مدارس، دولت ایران نیز همانند بسیاری از کشورهای دیگر دنیا، آموزش آنلاین را جایگزین آموزش حضوری کرد و با ایجاد یک شبکه مجازی به نام شبکه شاد، شرایطی را فراهم کرد تا دانش‌آموزان محتوای آموزشی را به صورت مجازی از معلم‌های خود دریافت کنند.



تجهیزات کافی هم برای توسعه اینترنت روستایی وجود ندارد. مدیرکل آموزش و پرورش استان لرستان، نیز گفته است، تنها در این استان بیش از هزار و پانصد مدرسه فاقد اینترنت هستند و حدود یک چهارم دانش‌آموزان لرستانی به اینترنت دسترسی ندارند.

علاوه بر پوشش اینترنت که لازمه اصلی آموزش مجازی است، داشتن گوشی هوشمند نیز یکی دیگر از الزامات این شیوه از آموزش است که فقر شدید برخی از خانواده‌ها برخی از کودکان را از داشتن آن محروم کرده است. در ماه‌های اخیر دانش‌آموزان زیادی با مشکل نداشتن گوشی هوشمند یا تبلت و لپ‌تاپ برای دسترسی به آموزش آنلاین و غیرحضوری روبه‌رو بوده‌اند و چندین دانش‌آموز به همین دلیل اقدام به خودکشی کرده و جان خود را از دست دادند.

مجله حقوق ما برای بررسی حق آموزش رایگان، با مازیار طاطایی، حقوق‌دان و وکیل پایه یک دادگستری مصاحبه‌ای انجام داده که مشروح آن در زیر آمده است.

بنا بر اصل سی‌ام قانون اساسی ایران، دولت موظف به تامین وسائل آموزش و پرورش رایگان برای هم ملت تا پایان دوره متوسطه شده است. اما در شرایط کرونا، بخش آموزش آنلاین شده و این روش از آموزش مستلزم امکاناتی همچون گوشی هوشمند، لپ‌تاب، تبلت و اینترنت است. در این شرایط وظیفه دولت برای فراهم کردن شرایط آموزش چیست؟

حق بر آموزش و پرورش رایگان از جمله حقوقی است که در تقسیم‌بندی کلاسیک حقوق بشری، در نسل دوم حقوق بشر قرار دارد که موضوع میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد است. حقوق موضوع نسل دوم حقوق بشر، از جمله حقوق ایجابی هستند که دولت‌ها را بر اجرا و رعایت آنها مکلف نموده است.

در ایران و در سال ۱۳۲۲ برای اولین مرتبه قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی به تصویب رسید که متعاقباً در سال ۱۳۵۳ اصلاحیه‌هایی در آن به عمل آمد.

از آنجائی که اجرای این قانون مستلزم تبیین الزامات متعددی برای والدین و دولت بود، در سال ۱۳۵۳ قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی به تصویب مجلس وقت رسید. مطابق ماده ۳ از این قانون، در صورت عدم‌تمکن مالی والدین، دولت مکلف است امکانات لازم را برای ادامه تحصیل آن دسته از نوجوانانی که والدینشان فاقد تمکن مالی

هستند فراهم نماید. ایران در سال ۱۳۵۴ و پیش از انقلاب و با تصویب مجلس سنای وقت، به میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد ملحق و از همان زمان تکلیف‌های مقرر در این میثاق برای دولت ایران الزام آور شد.

بند ۲ از ماده ۲ این میثاق دولت‌های عضو را ملزم کرده است که اعمال حقوق موضوع این میثاق را تضمین نمایند. در بند ۱ از ماده ۱۳ همین میثاق آمده است که دولت‌های طرف میثاق حق هر کس را به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند و در بندهای الف و ب از بند ۲ همان ماده اجباری و رایگان نمودن آموزش و پرورش ابتدائی و توسعه آن به آموزش و پرورش در مرحله متوسطه را از جمله تکالیف ذاتی دولت‌ها دانسته است.

از آنجا که متعاقب تصویب این میثاق در مجلس وقت، میثاق اعتبار قانون را پیدا کرده است، دولت ملزم به رعایت و اجرای آن است و مضافاً از آنجا که قوانین آموزش اجباری مجانی و تامین امکانات آموزشی به شرحی که در بالا آمد، آموزش و پرورش و تامین امکانات آموزشی را الزامی کرد. پس از انقلاب، نویسندگان پیش‌نویس قانون اساسی با آگاهی از وجود چنین قوانین و تکالیفی مبادرت به تنظیم و نهایتاً تصویب اصل ۳۰ قانون اساسی نمودند که مطابق آن دولت موظف شده است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد.

با توجه به عبارات مورد استفاده در این اصل، دولت موظف به تامین کلیه ابزارهای نرم‌افزاری و سخت‌افزاری که مشتمل بر نیروی انسانی و تجهیزات است، جهت تامین و تضمین تحصیل رایگان شده است.

با در نظر گرفتن موارد فوق در پاسخ به سوال شما باید بگویم، اگرچه کرونا یک واقعه غیر قابل پیش‌بینی بود و با عنایت به اینکه حقوق، متاخر بر وقایع اجتماعی و سیاسی تعریف و تبیین می‌گردد، اما در این موضوع خاص از آنجا که قوانین فوق‌الاشاره اعم از قانون اساسی به عنوان قانون مادر و بالادستی و نیز قوانین عادی، تکلیف دولت به تامین ابزارهای مورد نیاز برای آموزش و پرورش رایگان را تعریف و تبیین نموده‌اند، نقضی در قوانین وجود ندارد و دولت و آموزش و پرورش به عنوان مجری این قوانین ملزم به تامین رایگان هرگونه تجهیزات لازم اعم از گوشی موبایل، کامپیوتر و اینترنت رایگان و زیرساخت‌های مجازی برای تمام دانش‌آموزان و خصوصاً افرادی هستند که از تمکن مالی لازم برای



ادامه تحصیل به روش راه دور برخوردار نیستند و هیچ عذری در عدم اجرای قانون قابل پذیرش نخواهد بود. خصوصاً اینکه ریاست جمهوری در زمان دریافت اعتبارنامه، سوگند به پاسداری و اجرای قانون اساسی یاد می‌نماید، مکلف و ماخوذ به قوانین و سوگندی است که یاد کرده و باید با قید اولویت کلیه اقدامات لازم در خصوص تامین امکانات لازم برای آموزش در شرایط فعلی را اجرا کند.

آیا دولت ایران توانسته است مطابق شرایط جدید به وجود آمده به دلیل شیوع کرونا، امکانات لازم برای دانش‌آموزان را فراهم کند؟

در پاسخ به این سوال متأسفانه باید بگویم، پاسخ مطلقاً منفی است. طبق اعلام صریح و بدون شائبه‌ی یکی از معاونین وزارت آموزش و پرورش که در نتیجه‌ی عدم اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی، میثاق و سایر قوانین مورد اشاره ایجاد شده

است، حدود سه و نیم میلیون دانش‌آموز از امکانات تحصیلی از راه دور برخوردار نیستند و از این حق قانونی و بشری خود محروم شده‌اند.

متأسفانه علیرغم اینکه مطابق قوانین صدر الذکر آموزش و پرورش باید برای همه آحاد مردم رایگان باشد، ادامه این شرایط، تحصیل را به یک حق لوکس تبدیل خواهد کرد که تنها قشر دارای تمکن مالی از آن بهره‌مند خواهند بود و اقشار ضعیف از آن محروم می‌شوند.

آیا می‌توان گفت که عدم دسترسی بخشی از جامعه دانش‌آموزی ایران به امکانات آموزشی در شرایط همه‌گیری کرونا، نقض اصل سی‌ام قانون اساسی از سوی دولت است؟

در رابطه با این سوال، به طور صریح بر این باور هستم که عدم اجرای اصل ۳۰ و سایر قوانین مصوب مجلس در رابطه با

آموزش و پرورش و تحصیل رایگان مطلقاً نقض حقوق بنیادی افرادی است که از تمکن مالی مناسب برخوردار نیستند و عملاً از ادامه تحصیل محروم شده‌اند.

امیدوارم دولت با در نظر گرفتن تمامی تکالیف قانونی فوق و با احترام به حقوق بنیادین تحصیل رایگان، اقدامات سریع و عاجل در تامین بدون تبعیض تمامی امکانات و تجهیزات لازم برای برخورداری و بهره‌مند شدن آن دسته از دانش‌آموزان به دلیل عدم تمکن مالی از این حق محروم شده‌اند را انجام دهد تا منبعده شاهد خودکشی هیچ کودکی به دلیل فقدان امکانات آموزشی مانند آنچه در بوشهر برای محمد موسوی‌زاده ۱۱ ساله اتفاق افتاد نباشیم.

بنا بر آنچه که در رسانه‌ها آمده، چند میلیون دانش‌آموز وسایل مورد نیاز برای آموزش آنلاین را در اختیار ندارند و در برخی از مناطق محروم هم عملاً از داشتن

اینترنت محروم هستند. بنا بر اصل سی‌ام قانون اساسی چگونه می‌توان دولت را موظف به تامین امکانات برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت کرد؟

اگرچه تکلیف دولت در تامین امکانات و تجهیزات آموزشی مشخص است، اما به نظر می‌رسد، در صورت ادامه این شرایط می‌توان از طریق دیوان عدالت اداری الزام وزارت آموزش و پرورش به اجرای اصل ۳۰ و قوانین مورد اشاره در بالا را درخواست کرد. در تبیین این امر می‌تواند برای نمونه به رای صادره از یکی از شعب دیوان عدالت اداری مبنی بر الزام وزارت آموزش و پرورش به اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی اشاره کرد.

لازم به تاکید است، خودداری از اجرای آرای صادره از دیوان عدالت اداری موجب انفصال از خدمت دولتی برای مستنکف خواهد شد.

محدودیت‌ها و حقوق اساسی در زمان کرونا

هر کشوری در دنیا، مجموعه قوانینی را تصویب و بر اساس آن کشور را اداره می‌کند. در این مجموعه قوانین، برای اغلب مسائل و مشکلات احتمالی راه‌کارهایی در نظر گرفته شده و برای شرایط اضطراری هم چاره‌ای اندیشیده شده یا می‌شود. با همه‌گیری و گسترش کرونا در بیشتر کشورهای جهان، نه تنها سلامت مردم در معرض خطر قرار گرفت، بلکه در برخی از موارد حتی آزادی‌های اجتماعی و سیاسی مردم هم محدود شد. حق گردش آزادانه در سطح شهر و رفتن به مهمانی و حق برگزاری تجمعات اعتراضی هم تحت تاثیر گسترش بیماری کووید-۱۹ قرار گرفت.

مجله حقوق ما با معین خزائلی، حقوق‌دان، در رابطه با آزادی‌های فردی و سیاسی مردم در زمان کرونا گفت‌وگو کرده است.

آیا حقوق و آزادی‌ها در نظام حقوقی ایران در شرایط خاص همانند زمان حاضر که همه‌گیری کوید ۱۹ سلامت همگانی را تهدید می‌کند، قابل تعلیق هستند؟ و اگر این‌گونه است، تحت چه شرایطی باید باشد؟ همچنین

جایگاه قانونی ستاد مبارزه با کرونا چیست؟

بر اساس قانون اساسی ایران و بنا بر اصل ۹ این قانون، وضع مقرراتی که باعث تعلیق یا تحدید آزادی‌های مشروع شود، ممنوع است. حتی در این اصل اشاره شده که به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور هم نمی‌توان آزادی‌های مشروعی را که در قانون به رسمیت شناخته شده، از افراد تعلیق و یا سلب کرد.

در مورد حالت‌های اضطراری که اصل ۷۹ قانون اساسی ایران آن را به رسمیت شناخته، اشاراتی دارد به این مسئله و اعلام می‌کند که حکومت نظامی ممنوع است ولی در شرایط جنگ و حالت اضطراری نظیر آن (بدون اینکه توضیح بدهد که شرایط اضطراری نظیر آن چه می‌تواند باشد)، دولت حق دارد که با تصویب مجلس شورای اسلامی موقتا محدودیت‌های ضروری را برقرار کند.

همچنین یک سری شرایطی را هم اعلام می‌کند و می‌گوید که مدت این مقررات ضروری نمی‌تواند بیشتر از سی روز باشد و اگر آن ضرورت همچنان باقی باشد، دولت موظف است که مجدداً از مجلس کسب مجوز کند. یعنی براساس



قانون اساسی در شرایط اضطراری و جنگ در ایران، اگر دولت بخواهد محدودیت‌هایی را اعمال کند، باید اولاً بیشتر از سی روز نباشد و دوم اینکه باید از مجلس مجوز بگیرد. سوم اینکه اگر بعد از سی روز اول این اعمال محدودیت بخواهد تمدید بشود باید دوباره این پروسه مجلس طی شود. اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که در قانون اساسی ایران اشاره‌ای نشده به این که کدام حقوق آزادی این قابلیت را دارند که در این مدت تحدید شوند.

به طور کلی بر اساس قوانین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل حقوقی همانند حقوق اساسی انسان‌ها، یعنی حق زندگی، حق ممنوعیت شکنجه، حق ممنوعیت برده‌داری یا به برده‌گی گرفتن، آزادی بیان و آزادی مذهب قابل تعلیق نیستند، مثلاً نمی‌توان به خاطر شرایط کرونا آزادی مذهب را محدود کرد. البته این بدان معنی نیست که برگزاری مراسم مذهبی را نشود محدود کرد. منظور این است که نباید وارد بحث تفتیش عقاید برای آزادی مذاهب شد ولی محدودیت‌ها را می‌شود بر فعالیت‌های اجتماعی اعمال کرد. این بحث قانون اساسی ایران است که در حقیقت همچنین مجوزی را به دولت و مجلس

ایران داده است. ما می‌دانیم در ایران محدودیت‌هایی در رابطه با همه‌گیری کرونا اعمال شده و مجوز اعمال این محدودیت‌ها هم بنا بر آنچه که در قانون آمده، از سوی مجلس تصویب و صادر نشده، و این محدودیت‌ها از سوی ستاد کرونا صادر شده است.

باید دید اساساً جایگاهی که این ستاد دارد در چه حدی است، که آن پروسه‌ای را که قانون اساسی در نظر گرفته، طی نشده است. ستاد ملی کرونا مجوزش را از شورای عالی امنیت ملی گرفته و مجوزی هم که از سوی این ستاد صادر می‌شود، در واقع از طرف رهبر جمهوری اسلامی است. با توجه به اصل ۱۷۶ قانون اساسی که یک سری وظایفی را برای شورای عالی امنیت ملی تعریف کرده، اعلام شده که این شورا می‌تواند در مواقعی یک سری اقداماتی را انجام بدهد. در حقیقت ستاد ملی کرونا هم آمده و این اقدامات را براساس آن مجوزی که شورای عالی امنیت ملی به او داده، انجام می‌دهد.

اگر چه در قانون اساسی تعریف درست و روشنی از شرایط اضطراری داده نشده، اما امکان اعمال این محدودیت‌ها غیرقانونی نیست، اما این محدودیت‌ها همانطور که قبلاً اشاره



کردم نباید نسبت به حقوق تعلیق‌ناپذیر اعمال بشود، یعنی حقوق اساسی نباید نقض شوند.

مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا تا چه حدی الزام‌آور و ضمانت اجرایی مصوبات این ستاد چیست؟

در حقیقت ستاد ملی کرونا به پشتوانه شورای عالی امنیت ملی و اختیاراتی که این شورا به آن داده، تشکیل شده است. از طرفی هم ریاست این شورا بر عهده رئیس‌جمهوری است و نماینده دولت هم در این شور حضور دارد. همانطور که می‌دانیم دستورات رئیس‌جمهوری نسبت به سازمان‌ها و نهادهای اجرایی دولتی لازم‌الاجرا است.

علاوه بر رهبر جمهوری اسلامی که در این شورا نماینده دارد، سازمان‌ها و نهادهای نظامی هم که در حقیقت تحت نظارت رهبر جمهوری اسلامی هستند و همچنین نهادها و سازمان‌های انتظامی هم در شورای عالی امنیت ملی نماینده دارند و مصوبات شورا با تایید رهبر جمهوری اسلامی قابلیت اجرا پیدا می‌کنند،

مصوبه‌های شورا عالی امنیت ملی، برای اجرا از طرف رئیس‌جمهوری به سازمان‌های اجرایی ابلاغ و از سوی نهادهای نظامی که زیرمجموعه فرماندهی کل قوا است، به سازمان‌ها و نهادهای امنیتی و انتظامی ابلاغ می‌شود. مسلماً تصمیمات و مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای تمامی سازمان‌ها و نهادهای دولتی و حکومتی لازم‌الاجرا است. ستاد ملی مبارزه با کرونا هم در حقیقت تصمیماتش را بر پایه آن اختیاراتی است که از شورای عالی امنیت ملی گرفته است.

آیا از نظر حقوق بین‌الملل در شرایط غیرعادی همانند همه‌گیری ویروس کرونا، امکان تحدید یا تعلیق آزادی‌های افراد جامعه وجود دارد؟

بر اساس قوانین بین‌المللی، در ماده ۴ میثاق حقوق بین‌المللی و سیاسی، ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق‌بشر، یا ماده ۲۷ کنوانسیون آمریکایی حقوق‌بشر، آمده است که دولت‌ها می‌توانند در شرایط خطر عمومی استثنایی یا فوق‌العاده که معمولاً اینگونه هم تعریف می‌شود که خطری باشد که موجودیت و سلامت ملت و مردم را تهدید بکند، تدابیری را در نظر بگیرند. این تدابیر ممکن است موقتاً تحدید کننده حقوق و آزادی‌های دیگری باشد که در همان کنوانسیون‌ها و اعلامیه حقوق‌بشری به رسمیت شناخته شده است. مثلاً ماده ۱۵ کنوانسیون اروپایی حقوق‌بشر اعلام می‌کند که در

زمان جنگ یا حالت‌های فوق‌العاده عمومی که جان آحاد ملت تهدید می‌شود، این امکان وجود دارد. در کنوانسیون آمریکایی حقوق‌بشر هم بحث جنگ را مطرح می‌کند و اعلام کرده‌اند که می‌توانند حالت‌های موقتی را برای تعلیق تا تحدید آزادی‌های مصرح در همان کنوانسیون، اعمال بکنند.

مسئله اینجا است که آیا همه‌گیری ویروس کرونا جزو این شرایط فوق‌العاده و اضطراری محسوب می‌شود یا نه؟ البته این بحث دیگری است و می‌تواند بین حقوق‌دان‌ها هم اختلاف‌نظر وجود داشته باشد. اما روشن است که خطر باید عمومی باشد یعنی عموم مردم را تهدید بکند، خطر باید بالفعل یا قریب‌الوقع باشد به این معنی که یعنی احتمال اینکه اتفاق بیفتد زیاد باشد نه اینکه احتمال‌های بعید باشد.

از طرفی دیگر، آن تحدیدات و تعلیقات حقوقی که اعمال می‌شود، باید مرتبط باشد با اتفاق یا اتفاقاتی که قرار هست به وقوع بپیوندد. یعنی مثلاً اگر بیماری آمده، می‌توان سینما را تعطیل کرد اما نباید مثلاً حق فیلم دیدن افراد را در خانه

محدود بکنند. یعنی محدودیت‌هایی که اعمال می‌شود باید مرتبط باشد با تهدیدی که وجود دارد. در این حال از نظر قانونی و قوانین بین‌المللی، چنین حالت‌هایی به رسمیت شناخته ولی حالا کشورها چطور استفاده بکنند و چه محدودیت‌هایی را اعمال کند، بحث دیگری است که قوانین داخلی به آن می‌پردازد.

ضمن اینکه حقوق اساسی نباید مورد هجمه قرار بگیرد یعنی حق حیات، مثل حق زندگی، حق سلامت، حق و حقوقی که مستقیماً با حقوق اساسی مرتبط است، آنها نباید مورد تهدید و تحدید و هجمه قرار بگیرد.

شیوع ویروس کرونا چه تاثیری بر اجرای قانون و مقررات در حقوق ایران داشته است؟

مسلماً شرایط به وجود آمده پس از همه‌گیری کرونا، تاثیرات خودش را داشته است. مثلاً بحثی که در زمینه تعلیق قانون مربوط به طرح ترافیک بود اتفاق افتاد. یک سری از قوانین

مربوط به هوای پاک تعلیق شدند مثل ماده ۶ قانون هوای پاک، بحث معاینه فنی ماده ۷ که مربوط به نحوه تردد وسایله نقلیه موتوری حمل و نقل شهری، بحث ماده ۲۵ قانون هوای پاک، بحث حقابه و چیزهای دیگری که مطرح شده، این‌ها مصادیقی هستند که اجرایشان دقیقاً محدود شده یا تعلیق شدند.

قوانین کیفری که اساساً قابلیت تعلیق‌پذیری به خاطر این شرایط را ندارند، قوانین مدنی و حقوقی هم که اعمال می‌شوند این قابلیت بر آنها وجود ندارد که بخواهند تعلیق شوند.

بیشتر قوانینی که قابلیت تعلیق‌پذیری دارند، قوانینی هستند مثل بحث کار، بحث برگزاری مراسم مذهبی و دینی، بحث حقوقی که در فعالیت‌های اجتماعی دارند مثل بحث سینما، بحث برگزاری کنسرت، فعالیت‌ها و حقوق اجتماعی این‌چنینی بودند که در ایران تحدید یا تعلیق شدند.

محسوب شود و بهداشت بین المللی را با خطر مواجه کند تا (۲۴) ساعت به سازمان جهانی بهداشت اطلاعات مفصل و دقیق بدهند. به استناد ماده (۶) این مقررات، دولت‌های عضو باید تمامی اطلاعات دقیق و مفصل که شامل یافته‌های آزمایشگاهی، موارد ثبت شده و هرگونه اطلاعی که در دسترس دارند در اختیار سازمان بهداشت جهانی قرار دهند.

ماده (۷) این مقررات نیز از دولت‌های عضو می‌خواهد تا در صورت به دست آوردن شواهد از وقوع واقعه بهداشتی غیرمترقبه در کشورش بدون در نظر داشت نوعیت و منشا واقعه مورد نظر، تمامی اطلاعات را باید با سازمان بهداشت جهانی شریک بسازند. برخی‌های دیگر از این نیز فراتر رفته‌اند و چین را به نقض کنوانسیون منع سلاح‌های بیولوژیک متهم می‌کنند که در سال (۱۹۷۲) به تصویب رسید و دولت چین عضو این کنوانسیون است. این کنوانسیون، تولید، توسعه و ذخیره سلاح‌های میکروبی، سمی و بیولوژیک را که به مقاصد صلح‌آمیز نباشد منع می‌کند. از این بیش بر اساس حقوق بین الملل دولت‌ها ملزم به رعایت از اصول عدم رساندن زبان فرامرزی به مردمان دیگر کشورها هستند. همچنین بر اساس حقوق بین الملل هر فرد حق زندگی دارد و هیچ دولتی حق ندارد زندگی انسان‌ها را به خطر بیندازد. تا کنون در مورد این که ویروس کرونا در واقع سلاح بیولوژیکی و میکروبی بوده باشد، هیچ شواهد و مدارکی در دست نیست و بیشتر در حد اتهام، ادعا و گمانه‌زنی مطرح می‌شود.

اثبات چنین امری در مراحل کنونی شاید غیرممکن به نظر برسد. افزون بر این دادرسی در نظام حقوق بین‌الملل بیشتر بر همکاری دولت‌های عضو متکی است که در این صورت بعید به نظر می‌رسد دولت چین در بررسی چنین اتهامی با هیچ دادگاه

و مرجع قضایی بین‌المللی همکاری کند.

در کل راه‌کارها و مکانیسم‌های حل مناقشات در سازمان بهداشت جهانی بسیار ضعیف‌اند و از کارایی لازم برخوردار نیستند. اعمال فشار و مجازات یک کشور مانند چین برای سازمان بهداشت جهانی کار ساده‌ای نیست. در شرایطی که دنیا به هماهنگی و همگرایی در امر مبارزه با ویروس کرونا نیاز دارد و سازمان بهداشت جهانی به کمک‌های مالی اقتصادهای بزرگ جهان وابسته‌است، بعید به نظر می‌رسد که این سازمان در این دعوا چین یا هیچ کشوری را مقصر اعلام کند.

چین در حال حاضر یکی از حامیان اصلی سازمان بهداشت جهانی به شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، دولت چین حمایت مالی‌اش از سازمان بهداشت جهانی را افزایش داده است. از سال (۲۰۱۴) به این سو، چین بر حمایت مالی خود از سازمان بهداشت جهانی(۸۶) میلیون دلار افزوده که (۵۲) افزایش را نشان می‌دهد. این نیز می‌تواند دلیل آن باشد که تدروس گیبرسیسوس، مدیرکل سازمان جهانی بهداشت، دولت چین را به جهت «شفافیت در اطلاعات‌رسانی» ستود و گفت: «چین در مهار ویروس کرونا برای جهانیان بدرستی عمل کرده است.»

در روابط بین‌الملل و دولتمحور دانستن نظام بین‌الملل نزدیک خواهد کرد اما در مقابل این مساله را نیز باید مدنظر داشت که بروز چنین بحران‌هایی در سطح جهانی نقش و اهمیت همکاری‌های بین المللی و لزوم وجود استانداردهای بین‌المللی را بیش از پیش بر ما آشکار می‌سازد زیرا که بدون وجود آنها، بشر برای مقابله با بحران‌های آینده با مشکلات بی‌شماری روبه‌رو خواهد شد.

نظریه واقعگرایانه اگرچه همانطور که حامیان‌ش می‌گویند برداشتی واقع‌بینانه از نظام بین‌الملل ارائه می‌کند، اما ما برای داشتن جهانی بهتر نیاز به ساختن آن داریم.

برخی در کشورهای مختلف جهان انگشت انتقاد را به طرف چین، خاستگاه بروز این ویروس نشانه رفته و دولت چین را به کوتاهی در اطلاع‌رسانی درست و بموقع، کم اهمیت جلوه دادن خطر شیوع ویروس کرونا در مراحل ابتدایی و حتی پنهان‌کاری متهم کرده‌اند. برخی خواستار پرداخت غرامت از سوی دولت چین به کشورهای آسیب دیده از ویروس کرونا شده‌اند. اخیرا برخی از کادر درمانی و صاحبان کسب و کار در آمریکا، جایی‌که بیشترین شمار جان‌باختگان و مبتلایان به ویروس کرونا را در جهان دارد، دادخواستی را علیه دولت چین به دادگاهی در ایالت فلوریدا سپردند تا دولت چین را مجبور به پرداخت غرامت کند.

اگر قرار باشد چین به کشورهای آسیب دیده از ویروس کرونا غرامت و جبران خسارت بپردازد، افزون بر آمریکا، کشورهای دیگر نیز خواستار غرامت خواهند شد. برای نمونه یک گزارش پژوهشکده « هنری جاکسون» تخمین زده است که دولت بریتانیا شاید خواستار دست کم (۳۵۱) میلیارد دلار غرامت از دولت چین شود.

به همین ترتیب، دولت آمریکا هم نزدیک به یک تریلیون دلار غرامت خواهد خواست که در آن صورت دولت چین باید تریلیون‌ها دلار به کشورهای مختلف جهان جبران خسارت بپردازد.

اما در نظام حقوق بین‌الملل کنونی آیا به دادگاه کشاندن یک کشور و دریافت غرامت در مقابل چنین یک بیماری واگیر جهانی چقدر امکان‌پذیر است؟

امکان پرداخت غرامت از نظر حقوقی

کسانی که طرفدار پرداخت غرامت از سوی دولت چین‌اند بر نقص دست کم دو ماده از «مقررات بین المللی بهداشت» از سوی دولت چین تاکید می‌کنند. در «مقررات بین المللی بهداشت» که در سال (۲۰۰۵) به تصویب رسید و در سال (۲۰۰۷) به اجرا گذاشته شد، ۱۹۴ کشور جهان از جمله دولت چین عضو هستند.

ماده (۶) مقررات بین المللی بهداشت، دولت‌های عضو را ملزم می‌سازد تا مشکلات بهداشتی در خاک خود را به سرعت بررسی و در مورد خطرات بهداشتی که می‌تواند وضعیت فوق‌العاده

کووید-۱۹ و نظام بین‌الملل



نیره انصاری

این روزها موضوع ویروس کرونا و رویکرد دولت‌ها نسبت به آن، به حوزه جدی برای بحث پیرامون مهمترین مباحث نظری روابط بین‌الملل نیز تبدیل شده زیرا که رفتار دولت‌ها در قبال بیماری کووید-۱۹ پرسش‌های زیادی را در این حوزه به وجود آورده است:

- آیا همان‌طور که «واقعگرایان» تاکید میکنند، شرایط تازه را می‌توان دلیلی محکم برای اثبات انگاره «دولت محوری» آنها در نظر گرفت؟

- آیا جهانی شدن سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با فرو رفتن دولت‌ها در لاک مرزی خود مورد پرسش قرار گرفته است؟

- آیا بستن مرزها، ایجاد محدودیت در تردد افراد و سایر محدودیت‌های ایجاد شده در زندگی شخصی افراد در تضاد با حقوق اساسی انسان‌هاست؟

- و آیا شیوع سریع کرونا در تمام قاره‌های جهان را نباید نشانه‌ای از دنیای جهانی شده و در هم تنیده امروزی در نظر گرفت؟

این‌ها پرسش‌هایی جدی هستند که شاید در جهان پساکروناایی بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

درست همانطور که واقعگرایان می‌گویند وقتی هیچ اقتدار مرکزی وجود ندارد که دولت‌ها در حفظ امنیت خود به آن تکیه کنند، حاکم بودن نظم آنارشیک بر نظام بین‌الملل، دولت‌ها را به خودیاری ترغیب خواهد کرد.

شیوع بسیار سریع ویروس کرونا در سطح جهانی اگرچه نشانه‌ای

از به هم پیوستگی جهانی و کمرنگشدن مرزهای فیزیکی میان کشورهاست اما بستهبشدن مرزها و ایجاد محدودیت در تردد آزادانه افراد و یا ایجاد محدودیت در تجمعات به صورت دستوری از سوی دولت‌ها و مهمتر از آن، اتخاذ روشهای اختصاصی از سوی دولت‌ها برای مدیریت بحران، نتیجه‌ای جز در مرکز قرار گرفتن دولت‌ها به عنوان مهمترین بازیگر بین‌المللی به دست نمی‌دهد.

در این میان جایگاه سازمان بهداشت جهانی نیز تنها از حد یک سازمان تسهیل‌کننده و ناظر فراتر نرفته و مسئولیت اصلی در این موضوع همچنان بر عهده دولت‌هاست. از سوی دیگر باید به این موضوع توجه داشت که نمایان شدن کرونا ویروس به عنوان یک مشکل جهانی ضرورت همکاری کشورها و وجود منافع مشترک بشری را دوچندان کرده است.

یک مثال روشن، مساله محیط زیست است. تخریب محیط زیست بدون شک مساله‌ای جهانی است که نیازمند برجسته شدن همکاری و نفع مشترک بشری است و دولت‌ها گریزی از واگذار کردن بخشی از حاکمیت و اقتدار خود به قوانین و الزامات بین‌المللی برای مقابله موثر با مشکلات زیست محیطی که کلیت جامعه بشری را تهدید می‌کند، ندارند. به عبارت واضح دستیابی به امنیت زیست محیطی نیازمند همکاری جمعی دولت‌هاست.

اگرچه اختصاصی بودن روش مقابله دولت‌ها با ویروس کرونا، جایگاه سازمان بهداشت جهانی و استانداردهای بین‌المللی در این موضوع و مواردی از این دست ما را به تایید نظریه واقعگرایانه

در مهمترین اسناد و اعلامیه های بین‌المللی از جمله اسناد سه گانه حقوق بشر، اساسنامه سازمان ملل، اساسنامه سازمان بهداشت جهانی و اعلامیه توسعه هزاره سوم حاکی از اهمیت این حقوق و متعهد کردن دولت ها در حمایت از آن در سیاست‌ها و قانونگذاریهای داخلی است.

البته در ابتدا بسیاری از مقام‌های کشورهای غربی و همین‌طور تحلیل‌گران رویکرد دولت چین در قبال شیوع ویروس کرونا را «غیردموکراتیک» و «ناقض حقوق وبا شیوع ویروس کرونا در استان ووهان چین، آزادی‌های مدنی» معرفی کردند. آن‌ها می‌گفتند سیاستی که دولت چین برای مهار ویروس کرونا در پیش گرفته است، به جهت این که به نقض حقوق اساسی شهروندان می‌انجامد، با ارزش‌های حقوق بشری هم‌خوانی ندارد و نمی‌شود در جامعه ها و کشورهای غربی تکرارشان کرد.

با این حال خیلی زود، با شیوع و گسترش ویروس کرونا در کشورهای اروپایی و بعدتر در ایالت‌های مختلف آمریکا، شرایط به کلی تغییر کرد و دولت‌های غربی نیز در نهایت آشکار یا نهان، دست به تدابیر و اقدامات محدودکننده زدند. اقداماتی که به لحاظ شکلی و نمادین، «ناقض حقوق و آزادی‌های شهروندان» قلمداد می‌شود.

در بریتانیا به نیروهای پلیس اختیارات گسترده‌ای داده شد. این اختیارات حتماً می‌تواند به بازداشت شهروندان بینجامد. در آلمان و یا در اسرائیل از توان و امکانات «موساد»، سرویس اطلاعات خارجی اسرائیل، برای مبارزه با ویروس کرونا استفاده شد.

دولت در حال بررسی قوانین مربوط به میزان مجاز بودن تعداد شرکت کنندگان در زمینه های مختلف در طول بیماری همه گیر است.

فراتر از این کشورهای درگیر با ویروس کرونا، به لحاظ اقتصادی، سیاسی، رژیم‌های حقوقی و مقررات تأمین اجتماعی، بیمه و... در وضعیت‌های بسیار متفاوتی قرار دارند. شرایط در چین، ایران، کره جنوبی با آمریکا، کانادا یا برزیل متفاوت است. حتا در میان کشورهای اروپایی هم وضعیت یکسانی به لحاظ حقوقی یا سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی وجود ندارد.

با توجه به تمامی این تفاوت‌ها، سازمان‌ها و فعالان حقوق بشری نگرانی‌های مشترکی دارند. آن‌ها نگرانند که دولت‌ها در جریان مبارزه با گسترش ویروس کرونا، تعهدات حقوق بشری پیشین خود را نادیده بگیرند یا در خلال این «شرایط اضطراری»، مقررات تازه‌ای وضع کنند که در نهایت به نقض دامنه‌دار حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان بینجامد.

نقض حریم خصوصی افراد، منع تجمع و گردهمایی‌ها، بازداشت‌های خودسرانه، حق دسترسی به اطلاعات و از میان رفتن آزادی رفت و آمد، از نگرانی‌های اصلی فعالان و سازمان‌های حقوق بشری است.

مواردی که اشاره شد همگی در زمره حقوق و آزادی‌های «مدنی-سیاسی» می‌گنجند. به حیث تئوری، تأمین این دست از



حقوق و آزادی‌ها، مستلزم «عدم دخالت دولت» است. بر همین اساس است که تحلیل‌گران یا سیاست‌گذاران عمدتاً «لیبرال»، می‌گویند هرچه دولت کوچک‌تر باشد، یا کم‌تر در امور جامعه دخالت کند یا به فعالیت‌ها و زندگی مردم کاری نداشته باشد و □، «حقوق بشر» نیز به همان میزان بیش‌تر محقق خواهد شد. اما واقعیت این است که گستره حقوق بشر صرفاً محدود به حقوق و آزادی‌های مدنی-سیاسی، یا «حقوق بشر نسل اول/ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸» نمی‌شود. مجموعه بزرگ و مهمی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که نه تنها به خودی خود در هیچ جامعه‌ای محقق نمی‌شود، بل، نیازمند دخالت مستقیم، برنامه‌ریزی، زیرساخت‌ها و تخصیص بودجه‌های عمومی است. حقوقی که تأمین آن را نمی‌توان به «بخش خصوصی» جامعه واگذار کرد و برای تحقق واقعی آن‌ها لازم است نیازهای اساسی مردم از حیطة مناسبات بازار آزاد خارج شوند. در واقع این بخشی از مجموعه حقوق بشر است که به هنگام بحران‌های اجتماعی فراگیر، نظیر بیماری‌های همه‌گیر چون ویروس کرونا، می‌تواند به عنوان «تدابیر حمایتی» عمل کند و تا اندازه‌ای از دامنه پیامدهای ویران‌گر اقتصادی و اجتماعی بحران بکاهد.

در ادبیات مرسوم «حقوق بشری»، به این دست از حقوق و آزادی‌ها، «نسل دوم حقوق بشر» یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (میثاقین بین‌المللی مصوب ۱۹۹۶) می‌گویند. در این چارچوب، دسترسی به خدمات درمانی رایگان، یک «حق» به شمار می‌رود و دولت‌ها موظف هستند به منظور تأمین این حق، بودجه‌گذاری‌های مناسب و درست داشته باشند. بحران همه‌گیری ویروس کرونا به‌خوبی نشان داد که ایده‌های نتولیبرال و به تبع آن نگاه تقلیل‌گرایانه به موازین حقوق بشر تا چه اندازه سطحی و به‌هنگام بحران‌های جمعی خطرناک، ناکارآمد هستند.

فرجام سخن

در نظام حقوقی بین‌الملل، دولت‌ها عالی‌ترین مرجع صلاحیت و اقتدار و بازیکنان اصلی صحنه بین‌المللی پنداشته می‌شوند. چین یکی از قدرت‌های مقتدر جهانی و یکی از پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل است. هر تصمیمی که برای بردن پرونده چین به دادگاه عدالت بین‌المللی مطرح شود با وتوی چین برخورد خورد و احتمال رفتن چین به دادگاه خیلی کم به نظر می‌رسد. همچنین در نظام حقوق بین‌الملل، دولت‌ها در مقابل چنین دادخواست‌های که در دادگاه فلوریدا در آمریکا مطرح شده است می‌تواند مصونیت داشته باشند.

از این رو بیشتر دولت‌ها در اقامه دعوا علیه بخش خصوصی دست بازتر دارند تا علیه دولت دیگر. همچنین شرکت‌های خصوصی در برخی موارد می‌توانند علیه دولت‌ها اقامه دعوا کنند. در این حال، دادخواست دادستان‌ها در دادگاه فلوریدا حتا اگر منجر به حکم دادگاه علیه چین شود، باز هم نمی‌تواند کارساز باشد. در صورتی‌که دولت آمریکا دست به اقدام علیه شرکت‌ها و ملکیت‌های منقول و غیر منقول چین در خاک آمریکا بزند، چین نیز می‌تواند از گزینه «مقابله به مثل» استفاده کند. در چنین وضعیتی که اقتصاد جهان صدمه شدیدی دیده، وارد شدن به چنین جنگ دیپلماتیک و انتقام‌گیری، می‌تواند فشارهای اقتصادی بر جهان را افزایش دهد.

فراتر از این صرف نظر از طبیعی یا انسانی بودن پدیده کرونا، این ویروس بسیاری از نظام‌های اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و اقتصادی را به چالش کشیده است. با توجه به اینکه نظام حقوقی ناظر بر وضعیت آرامش جامعه است، حقوق به معنی دانش تنظیم‌کننده روابط اجتماعی به طور معمول در حوزه‌های «غیر اضطراری» بحث می‌کند.

حال آنکه شیوع بیماری کرونا و محدودسازی‌های ضروری و اجباری برای جلوگیری از گسترش بیشتر بیماری و درمان آن سبب اعتراض کسانی که هر نوع کنترل، نظارت، مهار و محدودیت را مغایر با آزادی و نقض حقوق بشر می‌دانند، شده است.

قرنطینه و جداسازی اجباری، رعایت فاصله‌ها، اجبار در استفاده از ماسک و وسایل ضدعفونی، ممنوع و محدود کردن مسافرت و جابجایی، کنترل تردها و تجمع‌ها، جریمه و تنبیه کسانی که ضوابط و دستور العمل‌های پیشگیرانه و پروتکل های بهداشتی را رعایت نمی‌کنند و... را عده‌ای نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی دانسته، حتی به این بهانه با سیاسی و طبقاتی کردن «کووید-۱۹» دست به تبلیغ‌های سیاسی، دینی و ایدئولوژیک زده‌اند. اگرچه دولت‌ها فارغ از انگیزه‌های مذهبی و ایدئولوژیکی موظفند تا در شرایط استثنایی قوانین اضطراری وضع نمایند.

آموزش کودکان و وظایف دولت در زمان همه‌گیری ویروس کرونا

پس از تعطیلی مدارس در ایران در دوران همه‌گیری ویروس کرونا و ادامه آموزش به صورت آنلاین، به دلیل توسعه ناهمگون و اختلاف طبقاتی شدید، برخی از مناطق ایران حتی از دسترسی به شبکه‌های اینترنتی که لازمه آموزش آنلاین است، محروم‌اند. از سوی دیگر، برخی از کودکان به دلیل فقر خانواده، از داشتن گوشی‌های هوشمند و تبلت که از ابزارهای اصلی برای آموزش در فضای مجازی است، محروم هستند. این در حالی است که بنا بر اصل سی‌ام قانون اساسی، دولت موظف به تأمین رایگان وسایل آموزشی برای تمام ملت تا پایان دوره متوسطه است. در همین رابطه مجله حقوق ما با مصطفی احمدیان، حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری، مصاحبه‌ای انجام داده که مشروح آن در زیر آمده است.

برابر اصل سی‌ام قانون اساسی، دولت ایران موظف به تأمین وسائل آموزش پرورش همگانی و رایگان تا پایان دوره متوسطه است. اما در شرایط همه‌گیری ویروس کرونا که آموزش آنلاین در حال اجرا است و طبیعتاً این

روش مستلزم وجود امکانات آموزشی از قبیل گوشی هوشمند، لپ‌تاپ، تبلت و دسترسی به اینترنت است، آیا دولت وظیفه‌ای برای فراهم کردن این شرایط و امکانات آموزشی از طریق فضای مجازی دارد؟

به طور قطع دولت در این زمینه مسئولیت تام و مستقیم دارد و پاسخ در ذات اجتماعی حق تحصیل و توسعه و تعمیق همه جانبه‌ی این حقوق از سوی دولت ریشه دارد. در ابتدا باید به عمومات مسئولیت دولت در رابطه با حق آموزش توجه شود که می‌توان به مجموعه‌ی اصول مندرج در قانون اساسی ناظر بر حق تحصیل از جمله بندهای ۳، ۴، ۹ و ۱۴ از اصل سوم و نیز اصول ۱۹، ۲۰ و ۳۰ از فصل حقوق ملت و نیز کنوانسیون‌ها و تعهدنامه‌های بین‌المللی پذیرفته دولت جمهوری اسلامی ایران از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون ضد تبعیض در نظام تعلیم و تربیت سازمان یونسکو و اعلامیه جهانی آموزش برای همه در اجلاس داکا ۱۹۹۰ اشاره نمود.



در تمامی این اسناد، حق آموزش و پرورش بدون تبعیض مورد توجه و تأکید قرار گرفته است و به تصریح بسیاری از این اصول، دولت ملزم به رفع موانع و نابرابری‌ها و کاستی‌ها در زمینه حق تحصیل برای همگان می‌باشد. در پرتو این اصول و مبانی قانونی می‌توان گفت که تردیدی در مسئولیت دولت در تهیه و تأمین امکانات آموزشی مدرن و رفع تبعیض‌های موجود در بهره‌مندی از وسائل ارتباطی و تکنولوژی از قبیل گوشی، لپ‌تاپ، تبلت، دسترسی به اینترنت، دستگاه گیرنده دیجیتال برای آموزش از راه دور و ... یا تسهیل دسترسی به این امکانات نیست.

حقوق اجتماعی چون دارای خصلتی چند وجهی است و با حقوق بنیادین دیگری از قبیل حق سلامت و بهره‌مندی از امکانات اولیه پیوند دارد لذا نقش دولت در این زمینه به عنوان پیش برنده و توسعه دهنده اصلی بسترهای و امکانات آموزشی جمعی در تمامی شرایط روشن است؛ چه دوران پیش از کرونا و چه اکنون که دوران همه‌گیری را می‌گذرانیم. در واقع حق تحصیل با امکانات زیرساختی و نیز فناوری و تکنولوژی مدرن رابطه تام دارد و آموزش در این شرایط بدون

بهره‌مندی همگانی از امکاناتی از قبیل گوشی‌ها و گجت‌های هوشمند و دسترسی به پنهان باند کافی و لوازم آموزشی دیگر غیرممکن و ناکامل است.

در شرایط همه‌گیری کرونا از آنجا که حق تحصیل و نیز چه بسا حقوق اجتماعی دیگر به طوری جدی تحت‌الشعاع و در معرض خطر قرار می‌گیرد طبیعتاً مسئولیت دولت به مراتب افزایش می‌یابد که با داشتن نقشی چند سویه، همگانی و توأم با رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها بایستی اقدامات مقتضی را در راستای حمایت از حق تحصیل و نیز حمایت از حق سلامت روانی جامعه بکار بندد و بسترها و امکانات جمعی از جمله فناوری را در اختیار همگان بدون هیچ‌گونه تبعیضی قرار دهد و یا دسترسی به این فناوری را آسان و کم هزینه کند.

آیا دولت ایران توانسته مطابق شرایط جدید بوجود آمده ناشی از شیوع ویروس کرونا، امکانات آموزشی لازم را برای دانش آموزان فراهم کند؟ کیفیت آموزش و حق تحصیل در این شرایط در چه وضعیتی است؟ حق سلامت روانی دانش آموزان در این شرایط چگونه تأمین

می‌شود؟

می‌توان گفت که متأسفانه دولت در رفع بنیان‌های تبعیض‌آمیز و بهره‌مندی همگانی از امکانات آموزشی مدرن، اقدامات ملموسی انجام نداده و شکاف دیجیتال و نابرابری بسیار عمیق‌تر شده است.

برخی تصمیمات دولت نیز در این رابطه با جنبه‌ی افتراق‌ناپذیری حقوق بشر در تعارض آشکار قرار دارد از جمله طرح وزارت آموزش پرورش به الزام پیوستن دانش آموزان و پرسنل مدارس به اپلیکیشن شاد برای آموزش از راه دور در شیوه‌نامه تحصیل در سال ۱۴۰۰ بدون در نظر گرفتن شرایط اقتصادی ضعیف خانواده‌ها و یا کنترل بر قیمت گوشی هوشمند وضع شده است. این امر مشکلاتی را بوجود آورده و موجب شده تبعیض‌های موجود در این زمینه نمود واقعی و عینی بخود بگیرد.

در شیوه‌نامه موصوف، تصریح و یا برنامه‌ی مدونی برای چگونگی رفع بنیان‌های تبعیض‌آمیز و شکاف دیجیتال شناسایی نشده و صرفا در برخی مواد به لزوم اقدامات خیریه و حمایتی مردمی برای رفع تبعیضات در این زمینه و شناسایی محرومین اشاره نشده و این بسیار ناکافی و رفع مسئولیت دولت از خود است.

همچنین این شیوه‌نامه در نفس خود با برخی مواد و اصول بیانیه مشترک سه سازمان بین‌المللی یونسکو، یونیسف و سازمان بهداشت جهانی مبنی بر بازگشایی مدارس در شرایط امن با رعایت پروتکل‌های بهداشتی و مدیریت چگونگی تشکیل کلاس‌ها در دوران همه‌گیری به جهت اهمیت حق تحصیل منافات دارد. در شیوه‌نامه مصوب وزارت آموزش پرورش، تأکیدها بیشتر بر آموزش از راه دور است بی آنکه پیامدهای منفی تعطیلی مدارس بر یادگیری و حق سلامت روانی و جسمی کودکان را در نظر گیرد.

گزارش‌های بین‌المللی تأکید می‌کند از آنجا که کمتر از ۱۰ درصد ابتلا به کووید-۱۹ و کمتر از دو دهم درصد مرگ و میر ناشی از آن مربوط به افراد زیر ۲۰ سال است و ضمن تأکید بر تحقیقات بیشتر در خصوص عوامل مؤثر بر خطر موارد حاد یا مرگ و میرهای ناشی از این ویروس در میان کودکان و نوجوانان، به اثرات شوم در دیگر زمینه‌ها ناشی از تعطیلی مدارس اشاره می‌کند و تصریح دارد که تعطیلی مدارس در بلند مدت اثرات مخربی بر کودکان وارد می‌کند.

از جمله این خطرات در سایر حوزه‌ها این است که تعطیلی مدارس و در خانه ماندن موجب آن شده تا کودکان بیشتر در معرض خشونت‌های جسمی و روحی قرار گیرند و سلامت روان آنها در معرض خطر است.

برخی پایش‌ها حاکی از ترویج خشونت‌های جنسی، بهره‌کشی و فقر بیشتر در این شرایط ناشی از تعطیلی مدارس دارد. همانطور که مدیر اجرایی یونیسف در کنفرانس مطبوعاتی مشترک نیز اشاره داشته، تعطیلی مدارس در طبقات ضعیف جامعه و جوامع حاشیه‌نشین، حتی به مدت چند هفته، پیامدهای منفی طولانی برای دانش آموزان بدنبال داشته است.

به طور کلی تأکید این سازمان‌ها بر این اصول است که مدرسه علاوه بر آموزش، خدمات مهمی از جمله در زمینه بهداشت، سلامتی و تغذیه ارائه می‌کند و محیطی امن و مناسب برای کودکان است. با تعطیلی مدارس در همه‌گیری کرونا، امکان ارائه این خدمات ممکن نخواهد بود. از این رو توصیه‌ها بیشتر بر بازگشایی مدارس و رفع محدودیت‌ها در این زمینه با با رعایت شرایط و پروتکل‌های بهداشتی است. اما در کشور ما در عمل طرح‌الزام نظام آموزشی و معلمان و دانش‌آموزان به طرح شاد، مشکلات فراوان و خساراتی را برای حق سلامت جامعه در پی داشته است.

در این رابطه لازم است به مانی هاشمی دانش آموز مقیم روستاهای اطراف شهر پاپه در استان کرمانشاه اشاره کرد که برای تأمین هزینه خرید گوشی هوشمند به کوله‌بری که کاری بسیار سخت و طاقت‌فرسا و خطر آفرین است دست زده و از کوه سقوط کرده و شدیداً آسیب دیده است. یا مسئله غمبار خودکشی محمد موسوی‌زاده اهل بندر دیر در استان بوشهر که به سبب نداشتن گوشی و در یک شرایط التهابی و تجربه درونی دشوار با از دست رفتن سلامت روانی، دست به خودکشی زده است.

این‌ها گویای بخشی از واقعیت غمبار و تراژیک قضیه است و حکایت از عمق فاجعه و خسارات روانی و جسمی دارد که طرح وزارت آموزش و پرورش موسوم به شاد دنبال داشته است. در واقع دولت در رابطه با طرح شاد، نه تنها به توصیه‌های سازمان‌های بین‌المللی عمل نکرده بلکه توجهی به پیوند حق تحصیل با سایر حقوق جمعی از قبیل حق سلامت روانی جامعه و تبعیض گریبان‌گیر مناطق محروم و خانواده‌های

فقیر و بی‌بضاعت ننموده و دست اندرکاران این طرح از عمق تراژیک قضیه غفلت آشکار ورزیده‌اند.

مقامات آموزشی کشور به جای پذیرش مسئولیت تصمیم غیرکارشناسی و عدم لحاظ مسائل رفاهی، اقتصادی و معیشتی خانواده‌ها در حال انکار رابطه مستقیم این قضایای اسفناک با تصمیم‌های آنان می‌باشند. بایستی این را گفت که مانی و محمد، قربانی تصمیمات ناصحیح و غیرکارشناسی مقامات آموزشی کشور شدند.

لذا نتیجه آنکه دولت و وزارت آموزش پرورش از وظائف اصلی و اولیه در توسعه حقوق جمعی کوتاهی آشکار کرده و سیاست‌هایی را پایه‌ریزی کرده که خود به مشکلات عمیق و نابرابری‌ها دامن زده است. در ذات نظام آموزشی ما وجود نهادهای غیرانتفاعی و پولی و تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور شهریه و عدم بودجه مناسب برای تعلیم و تربیت و عدم حقوق مکفی برای معلمان و نارضایتی‌های بسیار این قشر فرهنگی، فی‌نفسه خود بخشی از مشکلات آموزشی بوده و حال شرایط التهابی و خطر آفرین کرونا این مشکلات را دو چندان نموده است و نیازمند حمایت جامع دولت است.

برخی سیاست‌های ناکار آمد که بدون توجه به زمینه‌ها و بسترهای مادی قضیه وضع شده، فراتر از توان مادی و رفاهی جامعه و موجب تحمیل هزینه‌های سرسام آور به خانواده‌های فقیر و کم‌بضاعت می‌شود و زمینه مشکلات غمباری مثل خودکشی و تبعیض را به وجود آورده است.

بنا بر آمار رسمی و آنچه در رسانه‌ها و خبرها آمده، چندین میلیون دانش آموزش دسترسی به وسایل مورد نیاز آموزش آنلاین ندارند و در برخی نقاط محروم نیز دسترسی به اینترنت وجود ندارد. بنا بر اصل سی‌ام قانون اساسی، چگونه می‌توان دولت را ملزم به تأمین امکانات آموزشی برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت کرد؟

در این رابطه دولت به طور طبیعی و فی‌نفسه و بر اساس مبانی حقوقی داخلی و بین‌المللی، مکلف به تأمین امکانات آموزشی و اولیه می‌باشد و این یک الزام ذاتی است که هم در قانون اساسی ما آمده و هم تعهدات بین‌المللی الحاقی دولت، آن را اقتضا می‌کند.

طبق یک اصل حقوقی داخلی « اذن به شیء اذن به لوازم آن شیء» نیز می‌باشد یعنی زمانی که وظیفه دولت تأمین آموزش

و پرورش رایگان تا پایان متوسطه است، مقدمه بهره‌مندی از این حق، دسترسی به امکانات آموزشی مدرن و تکنولوژی در شرایط بحرانی از قبیل همه‌گیری کووید-۱۹ است از قبیل دسترسی به گوشی هوشمند.

لذا تحمیل هزینه خرید گوشی هوشمند و لپ‌تاپ یا تبلت و یا حتی اینترنت پولی به دانش آموز، غیرقانونی و مخالف اصول متعددی از قانون اساسی و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. برابر اصل ۳۰ قانون اساسی، دولت موظف است وسائل تحصیل را تا سرحد خودکفائی کشور برای همه ملت به طور رایگان گسترش دهد.

از طرفی طبق بند ۳ از اصل سوم قانون اساسی نیز بر تسهیل و تعمیم آموزش برای همه افراد تأکید شده است. لذا بهره‌مندی عده‌ای از امکانات آموزشی و محرومیت خیل بی‌شماری از کودکان و دانش آموزان از امکانات دیجیتال در این راستا، امری خلاف قانون اساسی است.

از جمله دیگر الزامات دولت به توسعه و رعایت حق آموزش در پرتو امکانات دیجیتال، اسناد و تعهدات بین‌المللی است که اشاره به برخی از آنها ضروری است. برابر بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر» هر شخصی حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. دستیابی به آموزش بایستی با تساوی کامل برای همگان امکان‌پذیر باشد تا هر کس بتواند بنا به استعداد خود از آن بهره‌مند گردد » و « هدف آموزش و پرورش باید شکوفائی همه جانبه شخصیت انسان و تقویت حقوق بشر و آزادی های اساسی باشد و باید به گسترش حسن تفاهم و دگرپذیری و دوستی میان ملت‌ها و گروه‌های نژادی در راه حفظ صلح یاری دهد.»

از طرفی مطابق بند ج از ماده ۱۳ کنوانسیون بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «آموزش و پرورش بایستی با کلیه وسائل مقتضی، به ویژه به وسیله معمول کردن تدریجی آموزش و پرورش مجانی، با تساوی کامل بر اساس استعداد هر شخص، در دسترس عموم قرار گیرد» و مفاهیم فوق در کنوانسیون ضد تبعیض در نظام تعلیم و تربیت سازمان یونسکو نیز در مواد ۱ الی ۵ به شکلی دیگر مورد تصریح قرار گرفته و اشاره شده که تبعیض عبارت از هر نوع فرق‌گذاری و تمایز و محرومیت، و محدودیت، بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان و شرایط اجتماعی و اقتصادی است و بر لغو تمامی این اشکال تبعیض تأکید شده است لذا بدیهی است که قدرت ضعیف

بودن طرح شاد را نیز در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اقامه نمود. در واقع دولت یا بایستی زمینه رفع تبعیضات در بهره‌مندی از امکانات دیجیتال را برای همگان به نحو مساوی و بدون تبعیض فراهم کند و یا از تصمیم خود در رابطه با طرح شاد عدول ورزد. این‌ها در ذات خود تکلیف و حق را بدنبال خود دارد و لازم و ملزوم یکدیگر هستند و نمی‌توان مردم را با این شرایط اقتصادی ضعیف، مکلف به تأمین این لوازم نمود و این تکلیفی خارج از توان آنها و در تعارض با قانون اساسی در رابطه با رایگان بودن حق تحصیل تا پایان دوره متوسطه است. در عمل مشاهده می‌کنیم هر چه به مناطق مرزی نزدیک‌تر شویم، محرومیت بیشتر مردم بیشتر به چشم می‌آید و با فقر و نابسامانی بیشتری مواجه می‌شویم. ایران برای همه‌ی ایرانیان شعار است و برخی از مردم محروم این مناطق در شرایط وضعی دشوار زندگی می‌کنند. نبود امکانات آموزشی و فقدان دسترسی به اینترنت از جمله این موارد است که در شرایط خطر آفرین ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ نمود بیشتری پیدا کرده است. کودکان در برخی از مناطق حتی از داشتن یک کلاس و امکانات اولیه سرمایشی و گرمایشی در شأن انسان نیز محروم هستند تا چه برسد به امکانات فناوری و تکنولوژی.

بایستی در این رابطه دولت را ملزم به کارهای اساسی و رفع تبعیض‌های موجود کرد گرچه برخی از این وظائف از عهده وزارت آموزش پرورش خارج است و به کلیت دولت و سایر وزارتخانه‌ها نیز مربوط می‌شود مثلاً دسترسی به پهنای باند کافی و اینترنت در نقاط دورافتاده کشور، از جمله تکالیف قانونی وزارت ارتباطات و فناوری و شرکت‌های مخابراتی است و از عهده وزارت آموزش پرورش خارج است ولی این نهاد به عنوان متولی آموزش کشور، بایستی خود مطالبه‌گر حقوق مردم باشد؛ گرچه در بسیاری نقاط محروم کشور ما متأسفانه فرهنگ مطالبه حق به درستی جا نیفتاده است.

توقع حق طلبی از مردم نیز تکلیفی خارج از حد توان آنها است چرا که هنوز گرفتاری مردم ما، رفع نیازهای فیزیولوژیک و اولیه است ولی مجموعه دولت خود بایستی متوجه عمق فاجعه باشد و اقدامات اساسی را در این زمینه شناسایی و اعمال کند. فعالان حقوق بشر نیز بایستی همواره در عرصه‌ی عمومی جامعه و از طرق قانونی، حقوق این مردم را به نحو مسالمت‌آمیز از مجموعه دولت و حاکمیت مطالبه کنند.



وسایل و امکانات دیجیتال و تکنولوژی را در شرایط همگانی و تبعیض‌ناپذیر در اختیار همگان قرار دهد و شرایط دسترسی به این امکانات را به نحوی یکسان و مساوی برای همگان ممکن سازد و تخطی از این وظیفه، مسئولیت حقوقی را در پی دارد.

در این شرایط همه‌گیری کرونا، چه راه‌های قانونی برای الزام دولت به تأمین لوازم و امکانات آموزشی مورد نیاز آموزش مجازی و آنلاین وجود دارد؟

حال که دولت طرح شاد را الزامی کرده، مکلف به تهیه مقدمات بهره‌مندی همگانی از آن نیز هست. مکلف است تا گوشی هوشمند یا تبلت را در دسترس کلیه دانش آموزان محروم قرار دهد. در این خصوص در راستای طرح شاد، می‌توان دادخواست الزام دولت به تهیه و تأمین امکانات آموزشی را در زمان پاندمی کرونا علیه وزارت آموزش پرورش به نمایندگی از مجموعه دولت در دیوان عدالت اداری مطرح کرد. همچنین می‌توان دادخواست الزام دولت به ابطال مصوبه الزامی

اقتصادی خانواده‌ها و ناتوانی آنها در خرید گوشی هوشمند برای دانش آموزان، نبایستی موجب تبعیض در بهره‌مندی از وسائل آموزشی و حق تحصیل گردد.

همچنانکه بر اساس بند ۲ ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک «دولت‌های عضو - منجمله ایران- ملزم شده‌اند تا اقدامات لازم را انجام دهند تا این اطمینان کامل بوجود آورند که هر کودکی از همه‌ی اشکال تبعیض و محرومیت در امان باشد» در اعلامیه جهانی آموزش برای همه داکا مصوب ۱۹۹۰ نیز سران و وزیران آموزش کلیه کشورها متعهد به رفع نابرابری‌های تحصیلی و امکانات تحصیلی شده‌اند.

لذا در پیشگاه این مبانی حقوقی داخلی و بین‌المللی، تردیدی در مسئولیت دولت در تأمین امکانات آموزشی مدرن از قبیل گوشی هوشمند، تبلت و دسترسی به پهنای باند اینترنت رایگان و امثال آن نیست. این تعهد جز حقوق بنیادین و سلب‌ناپذیری است که توجه تام دولت دارد و در این زمینه، نظام آموزشی کشور به عنوان متولی و به نمایندگی از دولت بایستی پاسخگو باشد، هم در پیشگاه اخلاقی جامعه و هم از

نظرگاه قانونی.

ضمن اینکه تک تک افراد جامعه نیز می‌توانند دسترسی سهل الوصول به این وسائل و امکانات را با طرح دعوی در دیوان عدالت اداری از دولت مطالبه کنند و این حق از مصوبات خود دولت در الزامی بودن طرح شاد نیز نشأت می‌گیرد.

آیا می‌توان عدم دسترسی بخشی از جامعه دانش آموزی ایران به امکانات آموزشی در شرایط همه‌گیری ویروس کرونا را نقض اصل سی‌ام قانون اساسی از سوی دولت دانست؟

بدون شک نه تنها نقض قانون اساسی بلکه تخطی از بسیاری مبانی حقوقی مشروع و تعهدات بین‌المللی نیز می‌باشد که دولت این تکلیف را در پیشگاه جمعی به عهده دارد. در این رابطه اگر به مبانی حقوق پیش گفته در سؤال قبلی توجه شود اسباب مسئولیت دولت کاملاً مشهود است و همانطور که در بالا نیز گفته شد، دولت بواسطه نقشی که در توسعه و تعمیق حقوق اجتماعی از قبیل حق تحصیل دارد مکلف است

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
 دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
 صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
 ایران/ محمود امیری مقدم
 سردبیر این شماره: مریم غفوری
 تماس با مجله: mail@iranhr.net

